



## جامعه تعلیمات اسلامی و اسناد منتشر نشده آن

پدیدآورده (ها) : مومن، ابوالفتح

تاریخ :: مطالعات تاریخی :: زمستان 1385 - شماره 15

از 112 تا 141

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/260648>

دانلود شده توسط : کافی نت تخصصی نور

تاریخ دانلود : 21/05/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)



# جامعه تعلیمات اسلامی و اسناد منتشر نشده آن

○ ابوالفتح مؤمن



۱۱۳

## مقدمه

در تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه و کشور، نقش کانونهای فرهنگی و سیاسی پیشرو، بسیار بارز و چشمگیر بوده است. گاهی بعضی از این کانونها، تشکلهای و انجمنها، صرفاً سیاسی و حتی فرهنگی بوده، گاهی صبغه فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی داشته است. یکی از این کانونها، «جامعه تعلیمات اسلامی» است که به نظر از دسته سوم محسوب می شود. بنیانگذار آن، «شیخ عباسعلی اسلامی سبزواری»، اصلاح و ایجاد فرهنگ سالم را، زیربنای تحولات دیگر می دانست. خاستگاه این نظریه، به مسافرتها پی در پی وی و آشنایی او با فرهنگها و ملل دیگر است؛ و اصولاً زمانی این فعالیتها به طور چشمگیری خود را نشان داد که فضای باز فرهنگی - سیاسی بعد از سقوط رضاشاه و جنگ جهانی دوم، بستری مناسب مهیا کرد که یکی از نتایج آن، تأسیس جامعه تعلیمات اسلامی بود. این گفتار می کوشد با مروری بر زندگی علمی - سیاسی شیخ عباسعلی اسلامی و نحوه تشکیل جامعه تعلیمات اسلامی، به سئوالاتی همچون: چه طیفی بیشترین نقش را در پایه گذاری جامعه داشت؟ هزینه های مالی آن از کجا تأمین می شد؟ برنامه های آموزشی جامعه و واکنش رژیم پهلوی در مقابل آن چگونه بوده است؟ و در نهایت فعالیتهای جامعه تا چه اندازه ای بود و آیا در ایجاد یک الگوی آموزشی اسلامی موفق بوده یا نه؟ پاسخ داده شود و به یکی از شعبه های آن در شهرستانها به عنوان مصداق پرداخته. در پی آن، اسناد منتشر نشده ای عرضه گردد. لازم است از مدیر محترم جامعه تعلیمات اسلامی مرکز تهران و آقای سیدصداق حجازی، مدیر مجتمع آموزشی علمی - اسلامی همدان، به خاطر همکاری و در اختیار گذاشتن این اسناد، کمال امتنان به عمل آید.

مؤسس جامعه تعلیمات اسلامی

«شیخ عباسعلی قرائتی سبزواری» معروف به اسلامی، به سال ۱۳۲۱ق. در شهر سبزواری زاده شد.<sup>۱</sup> پدرش شیرازی تبار و از ایل قشقایی بود. مادرش از ایل بختیاری بود و سلسله اجدادش به حسین قلیخان ابوقداره می‌رسد. حسین خان ابوقداره و دو برادرش علی و حسن - از سران بختیاری - در زمان فتحعلی شاه قاجار به سبزواری تبعید شدند و در آن شهر، از قرب و منزلت و احترام خاصی در میان مردم برخوردار بودند.<sup>۲</sup> پیش از تولد عباسعلی، پدر و مادرش از هم جدا شدند. لذا دوران کودکی او، تحت کفالت دایی‌اش، محمد بختیاری سپری شد.<sup>۳</sup> اسلامی، در پنج سالگی به مکتب رفت و چون حافظه‌ای قوی داشت، پس از یک سال، قرآن را به خوبی فراگرفت. سپس گلستان سعدی را خواند و بعد از آن وارد مدرسه فخریه شد و صرف و نحو را از مرحوم حجت‌الاسلام حاج شیخ گلحسن آموخت و در همان زمان در درس تجوید حاج شیخ محمدحسن قاری - مدرس مسجد جامع - حاضر شد و طولی نکشید که در همان زمان کودکی، یکی از قاریان قرآن در سبزواری به شمار آمد.<sup>۴</sup> در این زمان به جهت اختلافاتی، دایی از کفالت او صرف‌نظر کرد و عمویش حاج غلام، قیمومیت او و مادرش را برعهده گرفت.<sup>۵</sup> اسلامی، برای کسب علم و تکمیل تحصیلات حوزوی خود راهی مشهد شد و در محضر حاج ملاهاشم سبزواری، حاج کربلایی و مرحوم بهشتی<sup>۶</sup>، آیت‌الله العظمی حاج آقا سیدحسین قمی، آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی و حاج میرزا محمد آقازاده آخوند خراسانی، فقه، اصول، فلسفه و کلام را فراگرفت<sup>۷</sup>، و همچنین علم قرائت را نزد سیدمحمد عرب آموخت.<sup>۸</sup> سپس به سبزواری بازگشت و در مسجد جامع آن شهر، به تدریس و تعلیم تجوید، قرائت و تفسیر قرآن و آموزش معارف دینی و اخلاقی به جوانان اهتمام ورزید و هم‌زمان از تحصیل دروس دینی نیز غافل نماند.<sup>۹</sup> اسلامی، در ۱۳۴۳ق. به زیارت عتبات عالیات در عراق رفت.<sup>۱۰</sup> و پس از بازگشت از آن سفر پنج‌ماهه، در سبزواری ازدواج کرد.<sup>۱۱</sup> او، در این شهر همچنان بر توسعه مجالس وعظ و تبلیغ و آموزش معارف دینی و اخلاقی مشغول بود، تا اینکه در یکی از سفرهای زیارتی خود به عراق در سن ۲۶ سالگی برای تکمیل تحصیلات، در نجف اشرف مقیم شد.<sup>۱۲</sup> او در مدرسه بزرگ آخوند نجف اقامت گزید و در درس حسین سبزواری و شیخ مرتضی طالقانی حضور یافت و با هاشمی گلپایگانی هم‌مباحثه شد.<sup>۱۳</sup> اسلامی، در این ایام، بر اثر کثرت مطالعه دچار عارضه ضعف چشم گردید، تا جایی که پزشکان، وی را از هرگونه مطالعه و نوشتن برحذر داشتند. از این رو مدت یکسال در کربلا اقامت نمود و در درس آیات سیدابوالقاسم خوئی و حاج شیخ جعفر رشتی حاضر شد و با میرزا محمود کلباسی، در مدرسه ترکها به مباحثه

پرداخت.<sup>۱۴</sup> اسلامی از کربلا عازم سامرا شد و نزد میرزا محمد تهرانی، آیت‌الله حاج آقا بزرگ و شیخ محمدتقی شوشتری، به دانش خود افزود.<sup>۱۵</sup>

## آغاز حرکت

پس از چندی، اسلامی بنا به دستور آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی از عتبات راهی سبزوار و مشهد شد و بر اساس دعوت نجم‌العلماء، مؤسسه مدرسه الواعظین در شهر لکنهوی هندوستان، به قصد تبلیغ و ترویج شعائر اسلامی، به هندوستان رفت.<sup>۱۶</sup> اسلامی، ابتدا وارد بمبئی شد و با حجت‌الاسلام حاج شیخ محمدتقی، نماینده آیت‌الله اصفهانی و امام جماعت مسجد ایرانیان بمبئی موسوم به «مغول مسجد» دیدار کرد و به درخواست وی، در تکیه شوشتریها به وعظ و سخن‌رانی پرداخت و عاشورای آن سال را در بمبئی ماند.<sup>۱۷</sup> سپس عازم «لکنهوی» شد و در مدرسه الواعظین، حجره‌ای برای اقامت اختیار نمود. اسلامی، در این ایام سطوح عالی‌ه دروس حوزه را به اتمام رساند و علاوه بر آن، از نظر فن تبلیغ و خطابه و مناظره سرآمد گشت. مدتی بعد، بنا به پیشنهاد نجم‌العلماء، برای تبلیغ و ارشاد مسلمانان و شیعیان «رامپور»، عازم این شهر شد.<sup>۱۸</sup> حکمران رامپور فردی شیعه مذهب به نام علی رضاخان بود.<sup>۱۹</sup> اسلامی، علاوه بر تبلیغ و ارشاد شیعیان، از سوی ابومحمد، وزیر مالیه و رئیس کتابخانه سلطنتی رامپور، مسئول تهیه فهرست کتب شیعه کتابخانه مذکور و موضوع‌بندی آنها شد.<sup>۲۰</sup> بدین ترتیب، اسلامی، مسئول بخش کتب شیعه کتابخانه سلطنتی رامپور گردید<sup>۲۱</sup> و پس از دو سال فعالیت علمی و تبلیغی در آن شهر، برای ترویج فرهنگ اسلامی، راهی شهر «رانگون» پایتخت کشور برمه شد.<sup>۲۲</sup> ورود وی به رانگون، مصادف بود با ماه محرم؛ به همین دلیل در دهه اول محرم در تکیه ایرانیان مقیم رانگون منبر رفت و به وعظ و تبلیغ پرداخت. با پایان یافتن ایام سوگواری، به درخواست انجمن ایرانیان برای برپایی جلسات سخن‌رانی و تفسیر قرآن، در حسینیه ایرانیان هفته‌ای دو شب برنامه داشت.<sup>۲۳</sup> او در ۱۳۱۴ ش. - مقارن با کشف حجاب - از رانگون به ایران بازگشت.<sup>۲۴</sup> اسلامی، از مخالفان سرسخت کشف حجاب بود و با پشتیبانی مراجع تقلید، در جلوگیری از اجرای آن کوشید که به عللی موفق نشد.<sup>۲۵</sup> او بار دیگر، عازم هندوستان شد<sup>۲۶</sup> و پس از ورود به شهر کلکته، به علت مشکلات خانوادگی دوباره به ایران بازگشت<sup>۲۷</sup> و در درس فلسفه و عرفان آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی در مشهد حضور یافت.<sup>۲۸</sup> اسلامی، بار دیگر بنا به دعوت شیعیان رانگون، برای تبلیغ و وعظ در ماههای محرم و صفر عازم آنجا شد و پس از ایام مذکور، مجدداً به ایران بازگشت و در سالهای بعد نیز این مسافرت تکرار شد. اسلامی، به علت

فشار دولت بر روحانیون مشهد در ۱۳۱۹ش. به اتفاق خانواده‌اش به تهران رفت و در آنجا اقامت گزید.<sup>۲۹</sup> پس از شهریور ۱۳۲۰ش. و باز شدن نسبی فضای سیاسی و فرهنگی کشور، اسلامی، فعالیت‌های فرهنگی خود را شدت بخشید. وی در تلاش برای ایجاد یک مرکز فرهنگی - مذهبی جهت تعالیم دینی، با علمای نجف مشورت کرد که با پیشنهاد او موافقت کردند و حاج شیخ علی مدرس به نمایندگی از سوی آیت‌الله اصفهانی برای هرگونه امداد فکری و ارائه امکانات مادی و حجت‌الاسلام حاج سید صدرالدین از طرف آیت‌الله قمی مأمور همکاری با اسلامی شدند.<sup>۳۰</sup>

اسلامی، ابتدا فعالیت خود را در منزل فولادزری آغاز کرد و هفته‌ای یک شب جلسه‌ای با حضور دوستان و آشنایان در منزل مذکور برگزار می‌کرد.<sup>۳۱</sup> با فرارسیدن ماه رمضان سال ۱۳۲۰ش. اسلامی، مسجد قندی واقع در خیابان شاهپور را برای برگزاری مجالس مذهبی - فرهنگی خود برگزید و این جلسات را در دو نوبت ظهرها، پس از نماز و شبها بعد از افطار برگزار می‌کرد.<sup>۳۲</sup> بیشتر مباحث وی، در خصوص حجاب بود. با پایان یافتن ماه رمضان، به دنبال تقاضا بر ادامه جلسه برای بانوان، سه‌شنبه‌ها جلسه در خانه اسلامی تشکیل می‌شد و هم‌زمان، هر صبح جمعه مجلس تلاوت قرآن برای نوجوانان توسط حاج عبدالحسین یوسف‌زاده برپا و جلسه آموزش قرآن در مسجد کوچک خانی‌آباد توسط محمدرضا رجائی برقرار می‌گردید. بدین ترتیب، مرکزیتی فراهم آمد که دامنه فعالیت آن رو به گسترش نهاد. این هسته اولیه، ابتدا «جامعه پیروان قرآن» نامیده شد، اما پس از اعتراض گروهی از همکاران و دوستان مبنی بر اینکه دیگران هم پیرو قرآن هستند، نام مرکز به «جامعه تعلیمات اسلامی» تغییر یافت.<sup>۳۳</sup>

در بیست و هشتم رمضان ۱۳۲۱ش. اسلامی، یک ساختمان با چهار اتاق فراهم آورد و اولین بار یک مدرسه مذهبی تشکیل داد و در روز عید فطر همان سال، تأسیس آن را اعلام کرد. در آن مدرسه، دوره تعلیم عقاید، احکام و اخلاق تدریس می‌شد و آقایان: سید محمدرضا رجائی، ابوالقاسم میرزایی و عبدالحسین یوسف‌زاده، اولین مدرسان آن بودند. در کنار برگزاری کلاسهای یادشده، هر هفته یک جلسه خطابه و موعظه منعقد می‌شد و همچنین جلسه هفتگی عمومی اعضا، هر سه‌شنبه برگزار می‌گردید. به تدریج مقدمات توسعه کلاسهای درس در مکانهای دیگر فراهم گردید؛ چنان که وی به درخواست آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی، کلاسهایی در مسجد مجد برپا کرد.<sup>۳۴</sup> در خرداد ۱۳۲۲، جامعه تعلیمات اسلامی رسماً به ثبت رسید. این جامعه با کمک مردم توانست «مدرسه دوشیزگان اسلامی» را برای دختران تأسیس کند و همچنین «مدرسه پسرانه جعفری» را در تهران برپا ساخت.



حجت الاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی

اسلامی، در مراسم افتتاح مدرسهٔ اخیر اظهار داشت: «این مدرسه، مدرسهٔ آشتی‌کنان علم و دین است.» وی، برای توسعهٔ مدارس دینی، با همکاری افراد خیری چون حاج میرزا احمد نادر، حاج ایروانی، رضا شاهپوری، رضا جعفری، سیدمحمد حسینیان، حاج قائم الصباح و حاج مقدم، هیئت مدیرهٔ مالی مدارس جامعهٔ تعلیمات اسلامی را تشکیل داد. از نظر مالی، اسلامی از کمکهای مردمی برخوردار بود؛ چنان که در مجلسی در منزل میرزا نادر، مبلغ سیزده هزار تومان برای کمک به جامعه جمع‌آوری شد.<sup>۳۵</sup> شیخ عباسعلی اسلامی، نشریه‌ای به نام

«تعلیمات اسلامی» با صاحب‌امتیازی دکتر مرتضی

ملکی منتشر کرد که پس از ده شماره، به علت فوت دکتر ملکی تعطیل شد.<sup>۳۶</sup> اسلامی، در مورد اهداف جامعهٔ تعلیمات اسلامی گفته است: «جامعهٔ تعلیمات اسلامی، بر آن بود تا با تأسیس مدارس و مؤسسات آموزشی در سطح گستردهٔ موجبات پرورداری از آموزش و پرورش اسلامی را برای فرد فرد نوجوانان فراهم آورد، تا هیچ عضوی از جامعه کودک و نوجوانان ایرانی، از فقدان امکانات تعلیمی و تربیتی به سوی تباهی نگراید و روزگار را در بی‌خبری و جهالت به سر نیاورد.»<sup>۳۷</sup>

اسلامی، پس از شش سال فعالیت و رهبری جامعهٔ تعلیمات اسلامی، در اول آبانماه ۱۳۲۸ اساس‌نامه و مرام‌نامهٔ نهایی جامعهٔ تعلیمات اسلامی را به تصویب اکثریت اعضای ۲۲ نفره هیئت مدیره رساند. برابر اساس‌نامه مذکور، مرکز فعالیت جامعه، تهران و مدت دوام آن تا ظهور حضرت امام زمان - عجل‌الله تعالی فرجه - قید شد؛ همچنین برای تشکیل شعبهٔ جامعه در شهرستانها پیش‌بینی لازم به عمل آمد.<sup>۳۸</sup> اسلامی، برای تأسیس شعبه، به اکثر شهرستانهای ایران مسافرت کرد. اولین شهری که در این زمینه پیش‌قدم شد، کرمانشاه بود که به همت حاج میرزا علی محدث، در سال ۱۳۲۸ ش. عملی گردید.<sup>۳۹</sup> اسلامی در طی فعالیتهای فرهنگی - مذهبی خود، ۱۷۵ مدرسه اعم از دبیرستان و دبستان و کودکستان و همچنین هشتاد مسجد و حسینیه در سراسر کشور ایجاد کرد.<sup>۴۰</sup>

شیخ عباسعلی اسلامی، در کنار فعالیتهای فرهنگی، به مبارزه سیاسی علیه رژیم پهلوی اهتمام می‌ورزید. او با فداییان اسلام و نواب صفوی همکاری داشت و در جلسه‌ای که در

خصوصاً اعتراض به انتخاب عبدالحسین هژیر به نخست‌وزیری در منزل آیت‌الله کاشانی برپا شد، در سخن‌رانی خود به شدت از دولت هژیر انتقاد کرد<sup>۴۱</sup> و به دنبال ترور ناموفق شاه در پانزدهم بهمن ماه ۱۳۲۷ در دانشگاه تهران، نیز جزو بازداشت‌شدگان بود که پس از چندی آزاد شد.<sup>۴۲</sup> در همان سال، مجدداً به دلیل مبارزه برای آزادی انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، دستگیر شد.<sup>۴۳</sup> در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۹ - که جنازه رضاشاه به ایران آورده شد - اسلامی، در سخن‌رانی از رضاشاه و اقدامات او به شدت انتقاد کرد.<sup>۴۴</sup> همچنین در جریان مبارزات ملی شدن صنعت نفت، اسلامی از جمله روحانیون فعالی بود که در این زمینه به شدت فعالیت می‌کرد. وی به عنوان نماینده آیت‌الله کاشانی طی سالهای ۱۳۳۱ - ۱۳۳۰، برای آگاه نمودن مردم به شهرستانهای زیادی چون همدان، آذربایجان و ... مسافرت نمود و مردم را به اتحاد و اتفاق و حمایت از دولت دکتر مصدق و نهضت ملی فراخواند.<sup>۴۵</sup> اسلامی، به علت سخن‌رانی علیه دولت کودتا و دربار شاهنشاهی، در دوازدهم خرداد ۱۳۳۳ بازداشت شد و پس از بازجویی آزاد گردید. او، در تمام سخن‌رانیهایش، از نظام آموزش و پرورش و عملکرد دولت و رژیم انتقاد می‌کرد. وی، در کنار فعالیتهای سیاسی، به کشورهای خارجی برای تبلیغ و سخن‌رانی مسافرت می‌کرد؛ چنان که در بهمن ماه ۱۳۳۵ به پاکستان و در ماه محرم و صفر ۱۳۳۷، بنا به دعوت شیعیان ایرانی مقیم کویت، به آن کشور مسافرت کرد.<sup>۴۶</sup> به دنبال فعالیتهای سیاسی اسلامی، ساواک در گزارشی در اردیبهشت ۱۳۳۸، پیشنهاد کرد برای جلوگیری از فعالیت او علیه رژیم، نامبرده دستگیر و به یکی از مناطق دوردست تبعید شود و یا به وسیله سایر علما و وعاظ، دست به تبلیغات علیه او بزنند؛ زیرا تهدید و تحریب در او مؤثر نیست.<sup>۴۷</sup> اسلامی، تا پیروزی انقلاب اسلامی همچنان به مبارزه علیه رژیم ادامه داد و با امام خمینی (ره) ارتباط دائمی و پیوسته‌ای داشت.

### تأسیس جامعه تعلیمات اسلامی

فضای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط دیکتاتوری رضاشاه، نقش مهمی در تشکیل جامعه تعلیمات اسلامی داشت. این جامعه همانند دیگر تشکلهای و احزاب، با استفاده از فضای موجود به عرصه فعالیتهای فرهنگی - سیاسی دهه بیست وارد شد. اسلامی که در ابتدای دهه بیست از مشهد به تهران مهاجرت کرده بود جو مرکز را سخت ضد مذهبی یافت. او به واسطه سالها تبلیغ در هندوستان از نزدیک شاهد سلطه انگلیسیها بر این سرزمین و نیز واکنش هندوها و مسلمانان در برابر آنان بود. از این رو درصدد برآمد با کمک برادران دینی خود، در برابر این وضعیت ایستادگی کند؛ که از آن جمله بود نفوذ عوامل



و نیروهای هوادار دولتهای خارجی بویژه متفقین در ارکان مملکت، اقدامات احزاب و گروهها در قالب چاپ و نشر روزنامه و نیز درج مطالب ضداسلام در جراید مانند نشریه رهنما، ارگان حزب توده همدان، همچنین باید از فعالیتهای برخی افراد همچون کسروی یاد کرد که آشکارا علیه مقدسات تشیع مطالبی در روزنامه‌ها می‌نوشت. تبلیغات سیاسی و ضد مذهبی حزب توده و دیگر احزاب سیاسی از یک سو و برنامه‌های رسمی دولت و نهادهای قانونی از دیگر سو، تمام مدارس دولتی و دانشگاه تهران را دربر گرفته بود. ویژگی مشترک تبلیغات و برنامه‌های آنها، مبارزه با دین و مذهب در قالب شعارهای سکولار و یا ارایه آرا و اندیشه‌های مکاتب فکری مغرب زمین به عنوان راه علاج مشکلات مردم ایران بود.

شیخ عباسعلی اسلامی به خوبی می‌دانتست که تنها فعالیت فرهنگی در سطح گسترده و عمیق و با پشتیبانی مالی بازاریان و خانواده‌های مذهبی و متدین پاسخ‌گوی مناسبی در برابر تلاشهای ضد مذهبی است. همان‌طور که گفته شد در ابتدای سال ۱۳۲۲ ش. «جمعیت پیروان قرآن» را در تهران تأسیس کرد که هدف آن، آموزش قرآن و تعالیم دینی به فرزندان خانواده‌های مذهبی بود. به سبب رونق کلاسهای فوق و استقبال بازاریان از آنها، وی در همین سال امتیاز مدرسه ملی را به دست آورد. پس از تغییر نام جمعیت پیروان قرآن به «جامعه تعلیمات اسلامی» فعالیت آن بر تأسیس مدارس ملی یا غیردولتی تمرکز یافت. البته جامعه تعلیمات اسلامی در سال ۱۳۲۸ ش. رسماً از وزارت فرهنگ مجوز فعالیت گرفت؛ اما از سال ۱۳۲۲ ش. تا تاریخ فوق‌الذکر به طور غیررسمی فعالیت می‌کرد. با نگاهی به مقدمه اساس نامه جامعه تعلیمات اسلامی، می‌توان به نگرش علمی و عمیق اعضای آن نسبت به تحولات آن روز پی برد. چنان‌که در مقدمه آمده: «... هر ملتی بیش‌تر از علم و دانش بهره‌مند باشد، سریع‌تر راه تکامل و ترقی را می‌پیماید و چون اهمیت و مقام علم روشن بوده و جای شک و تردیدی باقی نمانده و دین مقدس اسلام، به زبانها و بیانات مختلفی فراگرفتن علم را بر کلیه مسلمانان واجب کرده، لذا دیگر احتیاجی به ذکر دلیل و بحث بیش‌تری ندارد؛ ولی چیزی که به نظر بسیاری از علمای واقعی جهان مهم بوده و قرآن مجید و پیغمبر اکرم و ائمه اطهار ما، در قرآن تأکید بسیار فرموده‌اند، این است که تعلیم بدون تربیت و علم بدون اخلاق برای بشر کافی نبوده و جز سیه‌روزی و بدبختی، محصول دیگری نخواهد داشت. بهترین دلیل هم وضع حاضر کشور ما است...»

این مطلب، به روشنی هدف اصلی از تأسیس جامعه تعلیمات را نمودار می‌سازد. به عبارت دیگر، حذف اخلاق و دین از نهاد آموزشی کشور به زعم بنیان‌گذاران جامعه، علت اساسی وضعیت نابسامان کشور بوده است. از این رو، با گنجاندن اصول اسلامی در دستور کار و تدوین کتب و جزوات درسی و حاکم ساختن فضای مذهبی بر مدارس این جامعه، به یکی از



حاج عباسعلی بازرگان

اقدامات سیاسی در عرصه فرهنگ دست زدند تا خلاً فوق را جبران نمایند. محدوده آموزشی این جامعه از کودکانستان تا مدارس عالییه را دربرمی گرفت و حتی کلاسهای اکابر شبانه و روزانه نیز در دستور کار آنان بود.

جامعه تعلیمات اسلامی راه هیئت مدیره مرکزی ۲۲ نفره‌ای اداره می کرد که دربرگیرنده چهار کمیسیون: فرهنگی، مالی، تبلیغات و نشریات و سازمان بود که هر کدام آیین نامه خاص خود را داشت. اعضای هیئت مدیره، متشکل از روحانیون، بازاریان و معلمان، عبارت بودند از:



حاج عبدالحسین یوسفزاده

۱. حاج شیخ عباسعلی سبزواری (روحانی)؛
۲. حاج شیخ نصرت الله شیخ العراقرین بیات (روحانی)؛
۳. شیخ احمد آخوند (روحانی)؛
۴. حاج عباسعلی بازرگان (بازاری)؛
۵. ابراهیم نیک سیرت (معلم)؛
۶. حسینعلی گلشن (معلم)؛
۷. حاج غلامحسین دلیل تهرانی (بازاری)؛
۸. حاج سید حسن عدنانی (بازاری)؛
۹. ابوالقاسم میرزایی (بازاری)؛
۱۰. حاج محمد جاراللهی (بازاری)؛
۱۱. سید حسین میرخانی (بازاری)؛
۱۲. دکتر مرتضی ملکی (معلم)؛
۱۳. حاج ناصر عطایی (بازاری)؛
۱۴. حاج مصطفی ایروانی (بازاری)؛
۱۵. حاج سیدرضا مجد (نماینده مجلس، روزنامه نگار و معلم)؛
۱۶. رحیم منصور مؤید (بازاری)؛
۱۷. حاج عبدالحسین یوسفزاده (بازاری)؛
۱۸. حاج عباس نجاتی (بازاری)؛

۱۹. حسن مزینی (بازاری و معلم).<sup>۴۸</sup>

جامعه، طبق گزارش ساواک تا سال ۱۳۵۶ش. ۱۸۳ باب مدرسه داشته، از کمکهای مالی بازاریان، کسبه و برخی از اعضای سابق جبهه ملی و عناصر مذهبی بهره‌مند بوده است. در این گزارش، راجع به سطح کیفیت آموزش و شیوه عملکرد آن، آمده: «این جامعه، توانسته است با استخدام معلمان مجرب، خرید وسایل آزمایشگاهی و کارگاهی و نیز سخت‌گیری زیاد، سطح آموزش مدارس خود را به صورت قابل توجهی بالا ببرد؛ به طوری که اکثریت دانش‌آموزانی که از این مدارس فارغ‌التحصیل می‌گردند، در آزمون همگانی دانشگاهها پذیرفته می‌شوند. در این مدارس، به علت بی‌نیازی از کمکهای مالی آموزش و پرورش در موارد متعدد بویژه ثبت‌نام دانش‌آموزان، ضوابط و مقررات آموزش و پرورش اجرا نمی‌گردد و به جای مسائل ملی و میهنی، برنامه‌های ویژه مذهبی اجرا و دانش‌آموزان را با تعصبات خشک مذهبی پرورش می‌دهند. به این جهت، دانش‌آموزان این مدارس، پیوسته مورد توجه گروههای برانداز مذهبی بوده و این گروهها، به نحو مطلوبی از تعصبات مذهبی دانش‌آموزان این مدارس استفاده می‌کنند. سابقه، نشان داده است که عده‌ای از اعضای گروههای خرابکار را کسانی تشکیل داده‌اند که فارغ‌التحصیل این مدارس بوده‌اند. این مدارس، با وجود مقررات خاص جهت ثبت‌نام و اشکال تراشیهای متعدد در این زمینه، به علت بالا بودن سطح آموزش آنها و تبلیغات وسیعی که از طریق عناصر مذهبی به نفع آنها صورت می‌گیرد، با استقبال زیادی از طرف مردم رو به رو شده و طبقات مختلف مردم تا طبقات روشنفکران، جهت ثبت‌نام در این مدارس به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند.»<sup>۴۹</sup>

جامعه، در تدوین کتب درسی - دینی خود، از روحانیون بنامی همچون دکتر محمدجواد باهنر بهره‌مند بود و با مراجع تقلید ارتباطی پیوسته و دائمی داشت، چنان که در مواد ۳ و ۱۵ اساس‌نامه، بر تقلید در تمام زمینه‌ها از «اعلم علمای امامیه» تأکید شده بود و از نظریات آنان در بحث آموزش، استفاده می‌کردند.

### شعبه جامعه تعلیمات اسلامی در همدان

شیخ عباسعلی اسلامی، با تأسیس جامعه مذکور به ایجاد مراکز آموزشی و تربیتی در تهران و سایر شهرستانها اقدام کرد؛ از جمله در همدان که در این مبحث، به عنوان یکی از مصادیق به آن پرداخته می‌شود.

شعبه جامعه تعلیمات اسلامی همدان، در سال ۱۳۲۶ش. توسط «شیخ علی حائری» و با کمک اسلامی در همدان تأسیس شد.<sup>۵۰</sup> در همین سال دبستان (مؤسسه) علمی - وابسته به

جامعه تعلیمات اسلامی - با صاحب امتیازی و مسئولیت «شمس حائری» در همدان گشایش یافت. مراسم افتتاح این دبستان، با حضور شیخ عباسعلی اسلامی و روحانیون سرشناس شهر همدان از جمله آیت الله ملاعلی آخوند همدانی و سایر اقشار مردم برگزار گردید. ۵۱ محل اولیه دبستان علمی، در خیابان باباطاهر، پشت مسجد کریمیان واقع بود که چندان محل مناسبی نبود. این دبستان، شش کلاس درس داشت و معلمان آن عبارت بودند از: سیدصادق حجازی، محمدعلی معینی و سیدباقر ساویزی. ۵۲

اولین دوره فارغ التحصیلی مؤسسه علمی، شامل دوازده دانش آموز سال ششم در سال ۱۳۲۸ ش. بود. هزینه مالی مؤسسه علمی را افراد خیر و جامعه تعلیمات اسلامی مرکز تأمین می کردند. حتی با گسترش مؤسسه نیز این کمک همچنان ادامه یافت. البته نقش روحانیون در تشویق مردم برای کمک به این مؤسسه، تأثیر زیادی داشت؛ چنان که آیت الله نصرالله بنی صدر، به همین منظور دعوت نامه ای برای بسیاری از متدینان شهر همدان به شرح ذیل ارسال داشت:

جناب آقای

پس از ابلاغ سلام، البته اطلاع دارید که یکی از وظایف مهمه مسلمین در این دوره، توجه به حال نسل جوان و حفظ آنان از فساد روزافزون دنیای امروز است. بهترین راه بلکه راه منحصر به فرد، تأسیس مدارس فرهنگی - دینی و آشنا نمودن آنها به تعالیم عالیة اسلامی است. در مرکز و اغلب شهرستانها، اقدامات مؤثری از طرف متدینین و مسلمانان غیور در این زمینه به عمل آمده، بحمدالله دبستانها و دبیرستانهای اسلامی مجهز تأسیس گردیده است و جمع کثیری از اطفال مسلمین - که مردان آینده کشور و نگهدارنده امانت بزرگ قرآن و اسلام می باشند - ضمن

سید باقر ساویزی  
برادر اباع سلام و آقا محمدزاد زاده از دهستان کرمان  
در این دوره تمام سال اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم  
روز افزون دینا مردم در پشت دبستان با کمک و با کمک  
مؤسسه علمی و با کمک و با کمک و با کمک و با کمک  
از طرف متدینین و مسلمانان غیور در این زمینه به عمل آمده، بحمدالله  
دبستانها و دبیرستانهای اسلامی مجهز تأسیس گردیده است و جمع کثیری از اطفال  
مسلمین - که مردان آینده کشور و نگهدارنده امانت بزرگ قرآن و اسلام می باشند -  
ضمن

کتابخانه مرکزی همدان - آیت الله العظمی بروجردی - دوره اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم  
۱۳۲۸ -

دروس فرهنگی، به فراگرفتن اصول عقاید و اخلاق اسلامی و مبانی دینی مشغول هستند. متأسفانه تا به حال در همدان - که یک شهر مذهبی است - توجه کاملی به این امر مهم نشده است. لذا مجلسی در مرکز جامعه تعلیمات اسلامی با حضور اینجناب در روز

شنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۴۶، مطابق با یازدهم ذی‌قعدة الحرام ۸۷، ساعت چهار بعد از ظهر منعقد می‌باشد. بدین وسیله از جنابعالی تقاضا می‌شود که سر ساعت مقرر در این جلسه مشورتی شرکت فرمایید. امید است ان‌شاءالله این اقدام خیر، توشه باارزشی در آخرت برای شرکت‌کنندگان در این مجلس باشد.<sup>۵۳</sup>

#### نصرالله الموسوی بنی‌صدر

با اینکه معلمان این مؤسسه از آموزش و پرورش تأمین می‌شدند، اما در عین حال جامعه سعی بر آن داشت که معلمان متدین و مجرب را انتخاب نماید و به همین جهت در گزینش آنها نهایت دقت را مبذول می‌داشت. در این مدرسه، از کلاس اول تا ششم، دانش‌آموزان مشغول تحصیل بودند و معلمان و سایر همکاران آن، عبارت بودند از:<sup>۵۴</sup>

نام	مدرک	شغل	حقوق
سیدصادق حجازی	دیپلم دانش‌سرای مقدماتی	تدریس در کلاس پنجم	۱۴۱۰۰ ریال
علی‌اصغر سپهری	دیپلم دانش‌سرای مقدماتی	تدریس در کلاس پنجم	۸۸۰۰ ریال
محمدرضا آزادیان	ششم ابتدایی	تدریس در کلاس چهارم	۸۸۰۰ ریال
سید محمود معصومی	سوم متوسطه	تدریس در کلاس پنجم و ششم	۱۵۰۰ ریال
مهدی نکینی	سوم متوسطه	تدریس در کلاس چهارم و پنجم	۱۰۰۰ ریال
سیدحسین وفایی	ششم ریاضی	تدریس در کلاس چهارم	۱۱۵۰ ریال
سیدحسین شماعی	ششم ابتدایی	تدریس در کلاس دوم	۱۱۵۰ ریال
محمد جلیلی	معلومات قدیم	تدریس در کلاس دوم	۱۱۵۰ ریال
غلامعلی غمگین	معلومات قدیم	تدریس در کلاس اول	۷۰۰ ریال
سیدمرتضی ملیحی	معلومات قدیم	تدریس در کلاس اول	۷۲۰ ریال

معلمان و همکاران دبستان، در صورت ارتکاب به خلاف و کم‌کاری، به شدت مواخذه می‌شدند و حتی از ادامه همکاری باز می‌ماندند.<sup>۵۵</sup> مدرسه، برای تشویق و متنوع کردن برنامه‌های آموزشی و تربیتی، دانش‌آموزان را به مسافرت و گردش به مناطق مختلف ایران از جمله اماکن مقدس می‌برد و از طرف دیگر، دانش‌آموزان از سوی مدرسه و دفتر مرکزی مورد تقدیر و تشویق قرار می‌گرفتند و به آنها جوایزی اهدا می‌شد.<sup>۵۶</sup> دانش‌آموزان دبستان علمی، در تمام مراسم مذهبی بویژه در ماههای محرم و صفر شرکت کرده با اجرای برنامه، به معرفی برنامه‌ها و اهداف دبستان و جامعه تعلیمات اسلامی می‌پرداختند و مردم را تشویق به همکاری می‌کردند.<sup>۵۷</sup> مؤسسه علمی، روز به روز توسعه یافت و در سال ۱۳۳۳ ش. توانست امتیاز دبیرستان علمی را نیز به دست آورد و طی

اطلاعیه‌ای، این موضوع را به آگاهی مردم شهر همدان رساند:

جامعهٔ تعلیمات اسلامی - که هدفش بالا بردن سطح افکار عمومی و تعالیم معالم عالیة اسلامی و بسط دین و دانش و توسعهٔ اخلاق حسنه و فضیلت است - با تفضلات خداوندی موفق به اخذ امتیاز دبیرستان علمی شده و طبق تصمیم هیئت مدیره و موافقت ادارهٔ فرهنگ، در نظر دارد که در سال جاری، کلاس اول دبیرستان را افتتاح [کند] و یک قدم بزرگ دیگر در راه نیل به هدف عالی خویش بردارد. اینک به اطلاع کلیة اهالی متدین و فرهنگ‌دوست می‌رساند که از تاریخ روز شنبه ۲۷ شهریور (از ساعت ۸ الی ۱۱/۳۰)، دفتر دبیرستان علمی برای نام‌نویسی داوطلبان<sup>۵۸</sup> آماده است و اهالی محترم، می‌توانند با استفاده از این فرصت گران‌بها، در تربیت دینی و اخلاقی اطفال خویش قدم مؤثری بردارند.<sup>۵۹</sup>

این دو مدرسه را، هیئت مدیره‌ای اداره می‌کرد و تا سال ۱۳۳۳ ش. شیخ علی شمس حائری (زنجان‌ی)، مسئولیت آن را برعهده داشت. در همین سال، امتیاز مدرسه و دبیرستان به سیدصادق حجازی انتقال یافت.<sup>۶۰</sup> مدرسهٔ اسلامی (علمی)، علاوه بر تشکیلات مزبور، دارای یک «انجمن‌خانه» بود که بعد از ظهر هر جمعه تشکیل جلسه می‌داد و مسائل مدرسه را بررسی می‌کرد و گاهی مجالس را با شرکت اولیای دانش‌آموزان برپا می‌کرد و با آنان دربارهٔ امور آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان مشورت می‌کرد. در این جلسات دانش‌آموزان نیز به اجرای برنامه‌های متنوع می‌پرداختند.<sup>۶۱</sup> مدرسهٔ مذکور - که امروزه به نام مجتمع آموزشی علمی اسلامی معروف است - از چنان فعالیت چشمگیری برخوردار بود که از سوی شخصیت‌های روحانی و فرهنگی، مورد بازدید و تقدیر قرار می‌گرفت. در اینجا، به چند مورد از یادداشت‌هایی که پس از بازدید نگاشته شده اشاره می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

به طور مسلم یکی از بزرگ‌ترین تعلیمات نبی اکرم، تشویقی است که از طرف آن حضرت و ائمه اطهار(ع)، دربارهٔ طلب علم و تحصیل کمال به دست آمده است؛ به طوری که در نظر اسلام، تمام مجالس باید مجلس علم و فرهنگ باشد؛ ولی این نکته مسلم است که علم، باید توأم با ایمان و تعلیم و تربیت باشد. اولین اصل - که در دانش لازم است - ایمان به خدا و تعلیمات روحانی است... به همت شریعتمدار حاج شیخ علی زنجان‌ی و جمعی از تجار متدین، آموزشگاهی به نام دبستان علمیه در همدان تشکیل شده که در عین تدریس برنامهٔ فرهنگ، تعلیمات اسلامی آموخته می‌شود.

سه‌شنبه ۱۳۲۹/۳/۱۶ ش. مطابق با ۱۹ شعبان

محمدتقی فلسفی واعظ<sup>۶۲</sup>

در یادداشت دیگری از آیت‌الله بنی‌صدر، آمده است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم، مؤسسه مبارکه دبستان علمیه - که با سعی و کوشش برادران دینی همدانی و بالخصوص با اهتمام جناب مستطاب حاج شیخ علی زنجانی دامت افاضاته تأسیس شده است - از بهترین خدمتی است که در راه تربیت اخلاقی و تعلیمات دینی اطفال مسلمین انجام شده است. توفیق و دوام تأیید کارکنان آن مؤسسه را، از خالق متعال مسئلت می‌دارد. حقیر نیز، برگ سبزی (یکهزار و دویست تومان) برای خرید و تعمیر جهت دبستان تقدیم نموده است. توفیق داشته باشم، بعداً نیز آنچه بتوانم در این قدم خیر با برادران مزبور شرکت نمایم. شعبان ۱۳۶۹

نصراالله الموسوی بنی‌صدر<sup>۶۳</sup>

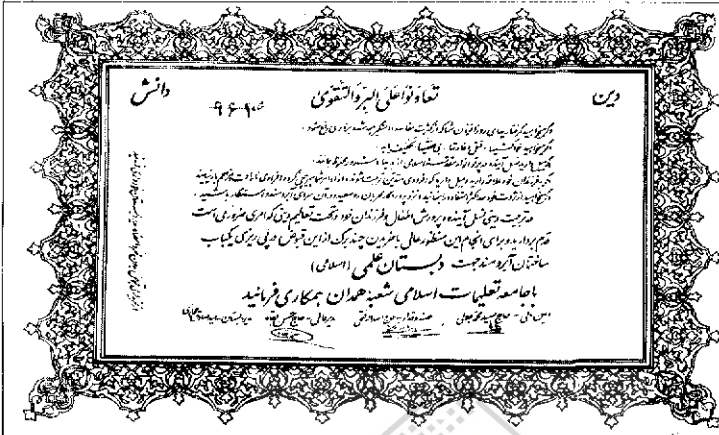
رئیس فرهنگ وقت همدان نیز در بازدیدی از مدرسه نوشت:

دبستان علمی - که امروزه (۵ مهر ۱۳۳۱ ش.) بازدید شد - از هر حیث شایسته تمجید است. دانش‌آموزانی که با اصول مقدسه اسلامی در این دبستان تعلیم می‌گیرند و تربیت می‌یابند، بلاشک گران‌بهاترین هدایایی هستند که این جامعه، در آینده تقدیم مملکت می‌کند. رسیده و پیداست با راهنماییها و کوششهای مداوم و خستگی‌ناپذیر حجت‌الاسلام جناب آقای شمس حائری، روز به روز این جامعه به پیشرفتهای شایان نایل آید.<sup>۶۴</sup>

جامعه تعلیمات اسلامی شعبه همدان، با برپایی مجالس در اعیاد مذهبی، به نشر فرهنگ اسلامی و مقابله با فرهنگ دیکته شده از سوی رژیم می‌پرداخت. این جامعه به نوعی در مقابل برپایی جشنهای نهادهای دولتی در مناسبتهای مختلف موضع‌گیری می‌کرد. مؤسسه، به مناسبت مبعث پیامبر اسلام (ص)، هر ساله جشن باشکوهی برگزار می‌نمود و با ارسال دعوت‌نامه، مردم را به شرکت در جشن مزبور فرامی‌خواند. در یکی از این کارتهای دعوت - که مزین به پرچم ایران و شعار «لا اله الا الله» بود - چنین آمده است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین. چون روز بیست و هفتم رجب، مصادف با روز مبعث پیشوای بزرگ اسلام، حضرت خاتم‌التبیین - صلی علی علیهم و آله و سلم - می‌باشد، مجلس جشن باشکوهی از طرف مؤسسه علمی با حضور عده‌ای از رجال و سخنوران نامی کشور، در باغچه آقای موسوی (جنب شهربانی)، از ساعت سه بعد از ظهر دایر است. از آن سرور محترم، استدعا دارد که با تشریف‌فرمایی خود در این مجلس، مؤسسين و کارکنان این مؤسسه را قرین افتخار نموده و برای تعظیم شعائر

مذهبی، از حضور در این جشن خودداری نفرمایید. با تقدیم احترامات فائمه، از طرف هیئت مؤسسين (مؤسسه علمی همدان)، علی نجفی زنجانی.<sup>۶۵</sup>



بدین ترتیب، جامعه با برپایی جشنهای مذهبی و سخن‌رانیهای وعاظ بنام، باعث گرایش و جذب مردم به همکاری با جامعه و گسترش تعالیم اسلامی می‌شد و از طرف دیگر، با احداث مدارس علمی - اسلامی، به تربیت نسل نوجوان و جوان جامعه اقدام می‌کرد تا همین نونهالان امروز، جوانان برومند فردا باشند، همانها که حماسه پانزدهم خرداد را به وجود آوردند و تداوم بخش نهضت اسلامی مردم ایران بودند. این اقدامات، در حالی صورت می‌گرفت که رژیم با تأسیس نهادها، کانونها و سازمانهای جدید با عناوین مختلف، سعی در جذب و سرگرم نمودن اقشار جامعه بویژه جوانان داشت.

### حاصل سخن

مدارس و دبیرستانها در دوره پهلوی دوم، به دو صورت رسمی (دولتی) و غیررسمی (غیردولتی) فعالیت می‌کردند و مدارس جامعه تعلیمات اسلامی، در زمره مدارس غیررسمی به شمار می‌آمد. به دلیل ماهیت دینی جامعه تعلیمات اسلامی، فعالیتهای آن، به عنوان واکنشی در برابر سیاستهای ضددینی رژیم پهلوی تلقی می‌گردید. به همین دلیل، ساواک و دیگر سازمانهای امنیتی، این مرکز فرهنگی را یکی از پایگاههای مخالف دولت به حساب می‌آوردند. در گزارشهای ساواک نیز به وضوح به این موضوع اشاره شده بود. در همین راستا، رژیم پهلوی در اوایل دهه پنجاه، بر نظارت و سختگیری خود بر مدارس جامعه تعلیمات اسلامی افزود و حتی با مطرح کردن لایحه آموزش رایگان، درصدد

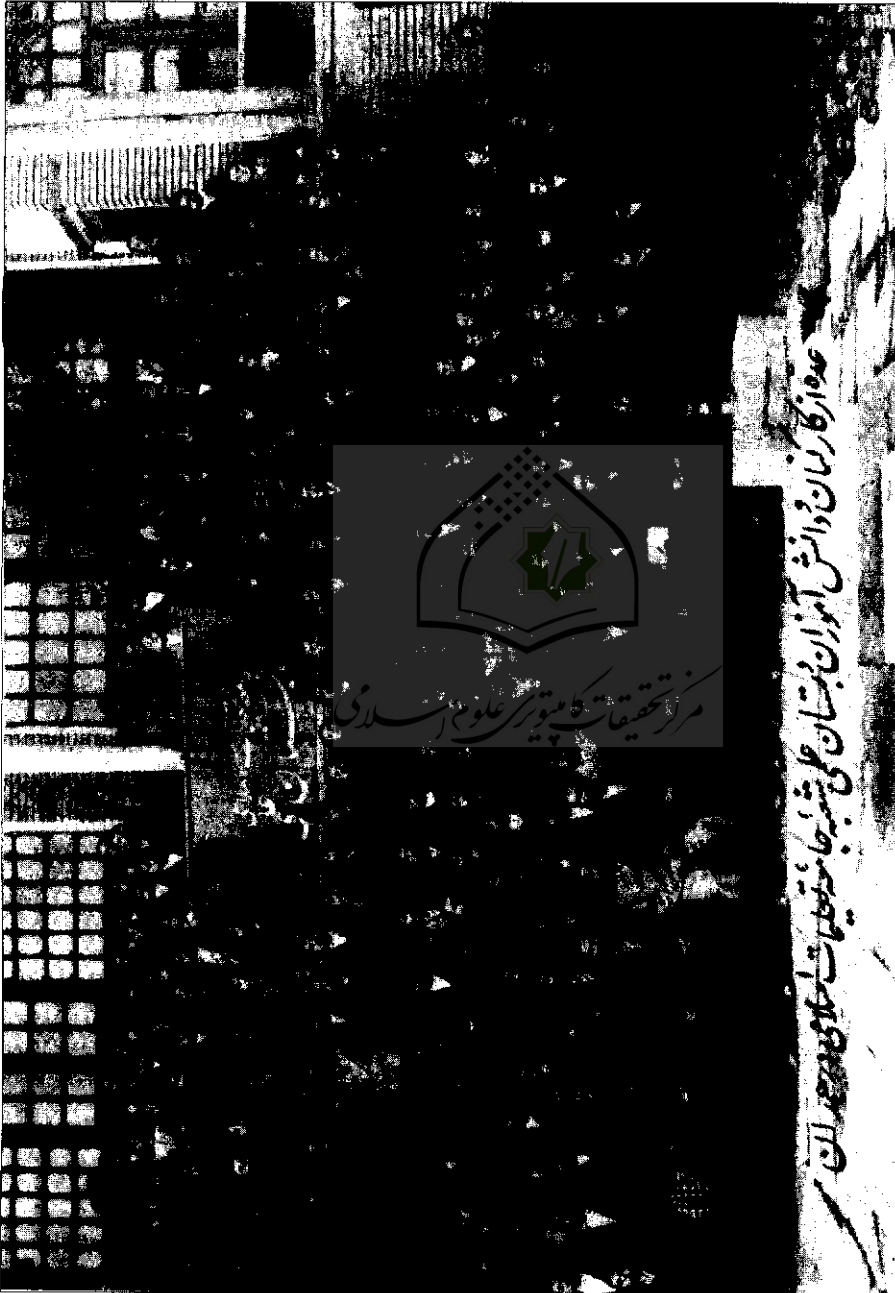


تعطیلی آنها برآمد. همچنین با سیاست رفع اجباری حجاب از دبیرستانها، هیئت مدیره جامعه تعلیمات اسلامی را در شرایط بحرانی قرار داد و در سال ۱۳۵۳ش. با تصویب قانون آموزش رایگان، تمام مدارس ابتدایی و راهنمایی جامعه تعلیمات اسلامی را تحت نظارت خود درآورد و به این ترتیب، ضربه سنگینی بر این مرکز فرهنگی وارد ساخت. اما دبیرستانهای آن تا پیروزی انقلاب به حیات خود ادامه داد و پس از تصویب قانون مدارس غیرانتفاعی، جامعه تعلیمات، مدارس ابتدایی و راهنمایی خود را مجدداً به دست آورد. در واقع، تأسیس جامعه تعلیمات اسلامی، پاسخی بود به نیازهای معنوی خانواده‌ها و اقشار مذهبی در زمینه آموزش و پرورش با خصوصیات اسلامی تا از طریق آن، ضمن صیانت از آموزه‌های دینی خود، در مقابل فعالیتهای مکاتب غیردینی ایستادگی نمایند. اتحاد و پیوند بازاریان، علما و فرهنگیان، علت اساسی موفقیت این مرکز فرهنگی بود و این مؤسسه، نشان داد تلفیق دین و دانش، تعلیم و تربیت و در یک کلمه، فرهنگ و آموزش اسلامی، مقوله‌ای شعاری و تبلیغاتی نیست و در عمل، الگویی موفق از آموزش و پرورش اسلامی ارائه داد. هر معلمی در این مدرسه امکان تدریس نمی‌یافت و تنها پس از گزینش و تأیید صلاحیتهای مذهبی، می‌توانستند در این مدرسه تدریس کنند. برخی از آنان همچون جواد قائمی، حسن معصومی و سیدصادق حجازی با مرحوم شهید آیت‌الله سیداسدالله مدنی در مبارزه علیه رژیم پهلوی همکاری، جلسات دانش‌آموزی و دانشجویی برپا می‌کردند. آنها همچنین با فرهنگیان مبارز دیگری چون حسن مشتاق، علی آقامحمدی، محمود آزاریان و... نیز در ارتباط بودند. این معلمان در روشنگری دانش‌آموزان بویژه افشای فعالیتهای چپ‌گرایان مؤثر بودند.

در این مؤسسه تصویری از شاه دیده نمی‌شد و دانش‌آموزان نه تنها با سازمان پیشاهنگی همکاری نمی‌کردند بلکه نوع آموزش آنان در تقابل با فعالیتهای تخریبی مراکزی چون کانون جوانان بود. از دانش‌آموختگان این مؤسسه می‌توان به فرزندان آیت‌الله آخوند همدانی، محمد، حسن و حسین معصومی، رضا عالمی فرزند حجت‌الاسلام محمدتقی عالمی دامغانی و هادی حائری فرزند علی شمس حائری، بنیانگذار مؤسسه، اشاره کرد که علی‌بعدها جذب سازمان مجاهدین خلق ایران شد.

علی‌اصغر حجازی، عضو دفتر رهبر معظم انقلاب، حسن فاضلیان فرزند حجت‌الاسلام رضا فاضلیان امام جمعه ملایر، از دیگر فارغ‌التحصیلان این مؤسسه هستند.

بر اساس اسناد ساواک، گروههای مبارز مذهبی، بیشترین اعضای خود را از میان دانش‌آموختگان همین مؤسسه جذب می‌کردند. از این رو به دلیل فعالیتهای این مؤسسه، مدیر آن سیدصادق حجازی، در سال ۱۳۴۹ برای یک سال و نیم به ایرانشهر تبعید شد.<sup>۶۶</sup>



تاریخ: ۱۰/ ماه ۱۳۲۸/۱۲

شماره:

پیوست:

حضور مبارک هیئت مدیره محترم جامعه تعلیمات اسلامی - دامت برکاته

جامعه تعلیمات اسلامی  
دبستان علمی همدان

تاریخ: ۱۰/ ماه ۱۳۲۸/۱۲  
شماره: .....  
پیوست: .....

حضرت مبارک هیئت مدیره محترم دعوت به عملی دامت برکاته

من اینجاست در این وزارت تصدیق می‌دهد. در هر صورت کمی در شتاب آگاهانه در تهران  
تجرباتی و صحبت دارم. امیدوارم که این دوستان عزیز مردم را در این  
و با اولاد که در این منطقه و خدمت به مردم دارند. در نظر است ایشان را به کمی  
از شتاب بردارند. چون مؤلفه‌ها را از نظر هم در این صورت نمی‌دانم که در این  
نحوه موافقت مردم با اینجاست که کمی است که در این راه در این جهت است  
نام نویسی که تصدیق می‌دهد و در این راه در این جهت است که در این جهت است  
فرموده تشکر است و در این جهت است که در این جهت است که در این جهت است  
با احترام  
فرموده تشکر است که در این جهت است که در این جهت است که در این جهت است  
فرموده تشکر است که در این جهت است که در این جهت است که در این جهت است

۱۳۲۹

ضمن ابلاغ سلام و عرض ارادت،  
تصدیق می‌دهد: به قرار مسموع، یکی از  
شعبات آن جامعه در تهران شبانه‌روزی  
و به صورت دارالایتم می‌باشد. اخیراً  
یکی از وابستگان اینجانب، مرحوم  
و پسر بچه ۹ ساله دارند که مادرش  
مطلقه و فعلاً بی‌سرپرست مانده‌اند. در  
نظر است، ایشان را به یکی از شعبات  
پرورشگاه دولتی معرفی نمایند؛ ولی  
از نظر عدم اجرای تعلیمات دینی  
در این گونه مؤسسات، بنده موافقت  
ندارم. بنابراین، چنانچه ممکن است  
که مشارالیه را در پرورشگاه تعلیمات  
اسلامی نام‌نویسی کرده، تقاضا می‌شود  
جریان را با شرایط ورود و مدارک لازم

جهت اطلاع اینجانب مرقوم فرمایید، مزید بر تشکر است. در خاتمه، تأییدات آن هیئت محترم را،  
از پروردگار مهربان مسئلت دارم.

با تقدیم احترام

دفتردار و آموزگار دبستان علمی

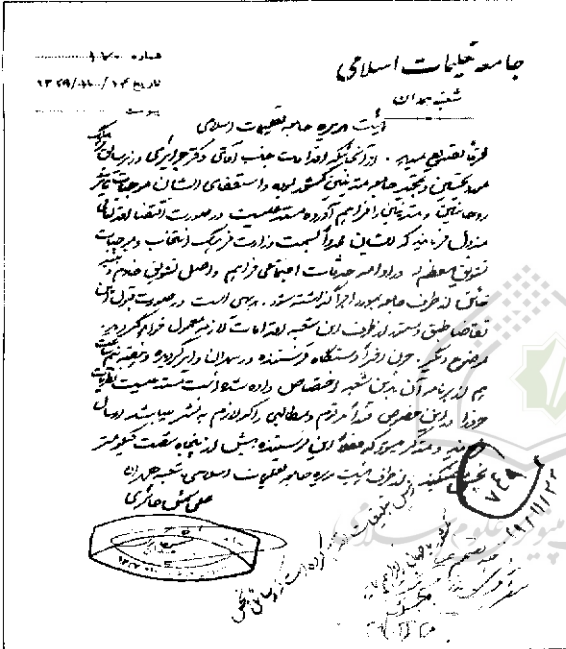
علی‌اصغر مسعودی

۱۳۲۸/۱۲/۱۰

هیئت مدیره جامعه تعلیمات اسلامی

محترماً تصدیع می دهد، از آنجایی که اقدامات جناب آقای دکتر جزایری، وزیر سابق فرهنگ، مورد تحسین و تمجید جامعه متدینین کشور بوده و استعفای ایشان، موجبات تأثر روحانیون و متدینین را فراهم آورده، مستدعی است در صورت اقتضا، اقداماتی مبذول فرمایید که ایشان، مجدداً به سمت وزارت فرهنگ انتخاب و موجبات تشویق معظمله در ادامه خدمات اجتماعی، فراهم و اصل تشویق خادم و تنبیه خائن از طرف جامعه به مورد اجرا گذاشته شود.

۱۳۰



بدیهی است در صورت قبول این تقاضا، طبق دستور از طرف این شعبه، اقدامات لازم معمول خواهد گردید. چون اخیراً دستگاه فرستنده در همدان دایر گردیده و هفته [ای] نیم ساعت هم از برنامه آن بدین شعبه اختصاص داده شده است، مستدعی است نظریات خود را در این خصوص فوراً مرقوم و مطالبی را که لازم به نشر می باشد، ارسال فرمایید و متذکر می شود که فعلاً این فرستنده، بیش از پنجاه شصت کیلومتر پخش نمی کند.

از طرف هیئت مدیره جامعه تعلیمات اسلامی شعبه همدان.

علی شمس حائری

رئیس تبلیغات، اقدام کرده است که وسایل پخش به کشور یا جهان را فراهم نماید.



تاریخ: ۲۰ / ۸ / ۱۳۳۶

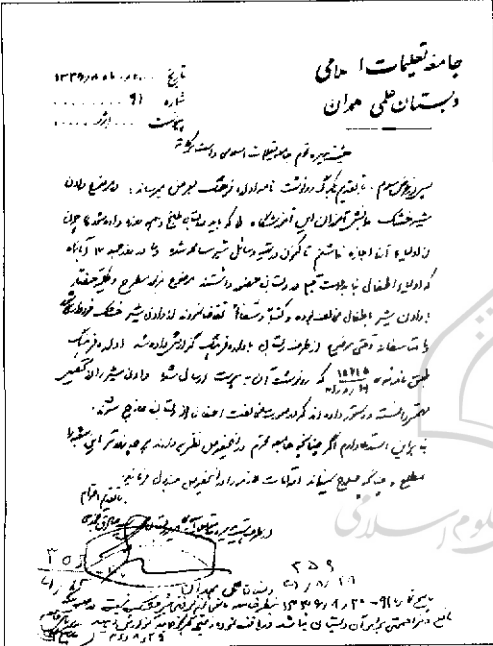
شماره: ۹۱

پیوست: ۱ برگ

هیئت مدیره محترم جامعه تعلیمات اسلامی - دامت برکاته

پس از عرض سلام، با تقدیم یک برگ رونوشت نامه اداره فرهنگ، به عرض می‌رساند در موضوع دادن شیر خشک به دانش آموزان این آموزشگاه - «که باید در دبستان طبخ و همه روزه داده شود» - چون از اولیای آنها اجازه نداشتیم، تاکنون در تهیه وسایل شیر مسامحه شده، ولی در روز جمعه ۱۷ آبان ماه - که اولیای اطفال بنا به دعوت قبلی در دبستان حضور داشتند - موضوع مزبور، مطرح و کلیه حضار با دادن شیر به اطفال، مخالف بوده و کتباً و شفاهاً تقاضا نمودند از دادن شیر خشک خودداری شود. ولی متأسفانه وقتی موضوع از طرف دبستان به اداره فرهنگ گزارش داده شد، اداره فرهنگ، طبق نامه شماره ۱۵۷۱۵ مورخ

۱۳۲



۳۶/۸/۱۹ - که رونوشت آن به پیوست ارسال شده است - دادن شیر را از تحصیل مهم‌تر دانسته و دستور داده‌اند که در صورت مخالفت، اطفال از دبستان خارج شوند. بنابراین، استدعا دارم اگر چنانچه جامعه محترم در این خصوص نظری دارند، هر چه زودتر این شعبه را مطلع و چنانچه صلاح نمی‌دانند، اقدامات لازمه را در این خصوص مبذول فرمایند.

با تقدیم احترام

از طرف هیئت مدیره جامعه تعلیمات اسلامی

مدیر دبستان علمی - سیدصادق حجازی

۳۵۶ - ۳۶/۸/۲۸

پاسخ شماره ۹۱ - ۲۰ / ۸ / ۱۳۳۶، به نظر جامعه، مانعی از گرفتن شیر خشک نیست. در صورتی که مانع و زحمتی برای آن دبستان نباشد، دریافت نموده و نتیجه را به مرکز جامعه گزارش دهید.

۳۶/۸/۲۹

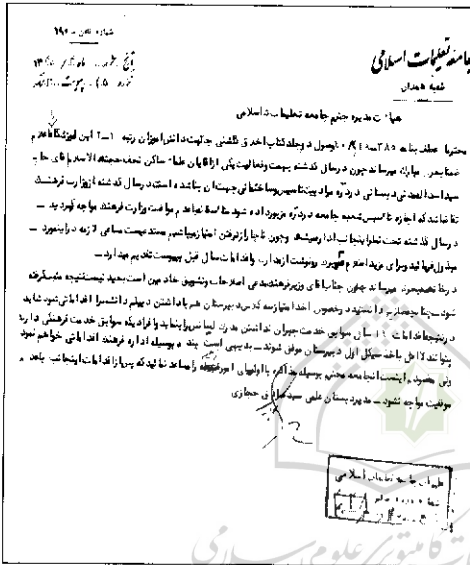
شماره تلفن: ۱۹۰

تاریخ: ۶/ ماه ۴/ ۱۳۴۰

شماره: ۴۵ پیوست: ۳ برگ

هیئت مدیره محترم جامعه تعلیمات اسلامی

محترماً عطف به نامه ۳۸۵ - ۴۰/۳/۲۸،  
 وصول دو جلد کتاب اخلاق گلشنی، جهت  
 دانش آموزان رتبه ۱-۲ این آموزشگاه را اعلام  
 [می دارد]؛ ضمناً به عرض مبارک می رساند:  
 چون در سال گذشته به همت و فعالیت یکی  
 از آقایان علمای ساکن نجف، حجت الاسلام  
 آقای حاج سید اسدالله مدنی دبستانی، در دره  
 مرادبیک تأسیس و ساختمانی جهت آن بنا شده  
 است، در سال گذشته از وزارت فرهنگ تقاضا  
 شد که اجازه تأسیس شعبه جامعه در دره مزبور  
 داده شود؛ متأسفانه با عدم موافقت وزارت  
 فرهنگ مواجه گردید. در سال گذشته، تحت نظر  
 اینجانب اداره می شد و چون ناچار از گرفتن



۱۳۳

امتیاز می باشم، مستدعی است مساعی لازمه را در این مورد مبذول فرمایید و برای مزید اطلاع، ۳ برگ رونوشت از مدارک و اقدامات سال قبل به پیوست تقدیم می دارد.

در خاتمه، به عرض می رساند: چون جناب آقای وزیر فرهنگ، مدعی اصلاحات و تشویق خادمین است، بعید نیست نتیجه مثبت گرفته شود. چنانچه صلاح دانستید، در خصوص اخذ امتیاز سه کلاس دبیرستان هم با داشتن دیپلم دانش سرا، اقداماتی شود؛ شاید در نتیجه اقدامات ۱۹ سال سابق خدمت، جبران نداشتن مدرک لیسانس را بنمایید و افرادی که سابق خدمت فرهنگی دارند، بتوانند لاقفل به اخذ سیکل اول دبیرستان موفق شوند. بدیهی است بنده به وسیله اداره فرهنگ، اقداماتی خواهم نمود؛ ولی مقصودم این است [که] آن جامعه محترم، به وسیله مذاکره با اولیای امور، زمینه را مساعد نمایند که پس از اقدامات اینجانب با عدم موفقیت مواجه نشود.

مدیر دبیرستان علمی - سیدصادق حجازی

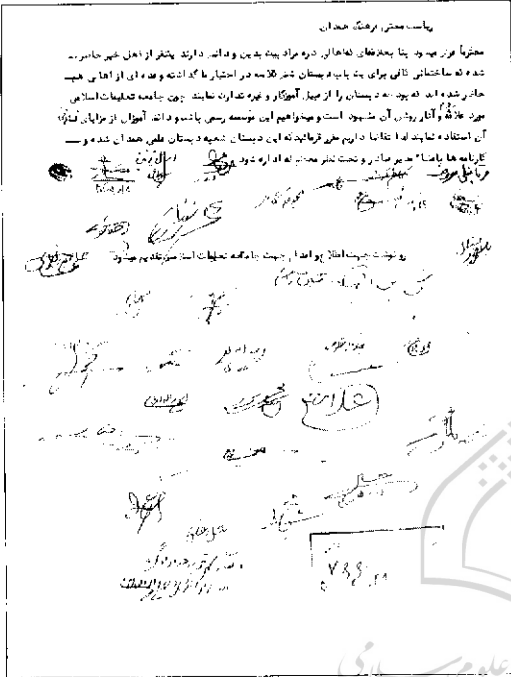
طهران، جامعه تعلیمات اسلامی

شماره ورود به دفتر ۴۲۸؛ تاریخ ورود ۱۱/۴/۴۰

ریاست محترم فرهنگ همدان

محترماً عرض می شود بنا به  
 علاقه ای که اهالی دره مرادییک به  
 دین و دانش دارند، یک نفر از اهل  
 خیر حاضر شده که ساختمانی کافی  
 برای یک باب دبستان شش کلاسه در  
 اختیار ما گذاشته و عده ای از اهالی هم  
 حاضر شده اند که بودجه دبستان را از  
 قبیل آموزگار و غیره تدارک نمایند.  
 چون جامعه تعلیمات اسلامی، مورد  
 علاقه عموم و آثار روشن آن مشهود  
 است و می خواهیم این مؤسسه رسمی  
 باشد و دانش آموزان از مزایای قانونی  
 آن استفاده نمایند، لذا تقاضا داریم  
 مقرر فرمایید که این دبستان شعبه  
 دبستان علمی همدان شده و کارنامه ها  
 به امضای مدیر صادر و تحت نظر  
 معظم له اداره شود.

۱۳۴



رونوشت، جهت اطلاع و اقدام، جهت جامعه تعلیمات اسلامی تقدیم می شود.





جامعه تعلیمات اسلامی

شماره ثبت: ۱۵۵

شماره تلفن: ۲۹۹۰۵

نشانی تلگرافی: «تعلیمات اسلامی»

تاریخ:

شماره:

پیوست:

اداره کل تعلیمات ابتدایی

با ارسال رونوشت تقاضای شماره  
 ۱۰۰ مورخ ۳۸/۵/۱۲ دبستان علمی  
 همدان، خواهشمند است با توجه  
 به رأی ۸۴۹ - ۳۲/۱۱/۱۱ جلسه  
 شورای عالی فرهنگ، در صورتی  
 که با مقررات مربوطه وفق می‌دهد،  
 نسبت به صدور اجازه افتتاح یک باب  
 دبستان در قریه دره مرادبیک - که در  
 شش کیلومتری شهر همدان واقع شده  
 است - اقدام فرمایید. ضمناً این اداره،  
 موافقت خود را با تأسیس دبستان در  
 قریه مزبور اعلام می‌دارد. در خاتمه،  
 به استحضار می‌رساند که دبستان شش  
 کلاسه علمی در همدان، از دبستانهای  
 ملی آبرومند این شهر می‌باشد و وضع

۱۳۶

جامعه تعلیمات اسلامی  
 شماره ثبت: ۱۵۵  
 شماره تلفن: ۲۹۹۰۵  
 نشانی تلگرافی: «تعلیمات اسلامی»

تاریخ: \_\_\_\_\_  
 شماره: \_\_\_\_\_  
 پیوست: \_\_\_\_\_

اداره کل تعلیمات ابتدایی

با ارسال رونوشت تقاضای شماره ۱۰۰ مورخ ۳۸/۵/۱۲ دبستان علمی همدان  
 خواهشمند است با توجه به رأی ۸۴۹ - ۳۲/۱۱/۱۱ جلسه شورای عالی فرهنگ -  
 در خصوص با محرومیت مربوطه به هیئت نسبت به صدور اجازه افتتاح یک باب  
 دبستان در قریه دره مرادبیک - که در شش کیلومتری شهر همدان واقع شده است - اقدام  
 فرمایید. ضمناً این اداره، موافقت خود را با تأسیس دبستان در قریه مزبور  
 اعلام می‌دارد. در خاتمه به استحضار می‌رساند که دبستان ۶ کلاسه علمی در  
 همدان از دبستانهای ملی آبرومند این شهر می‌باشد و وضع دبستان از حصر  
 کلاسه نرسیده و تمام میانه شد و در صورتی که در همدان شعبه دبستان علمی در قریه  
 مذکور خود دارای ۶ کلاس بود و از آنجا که دبستان مزبور به دلیل بزرگسالان  
 خواهد بود.

روشنی در باب: نام دبستان: ۳۸/۵/۱۲ دبستان علمی ارسال می‌گردد.

رئیس فرهنگ همدان - حسین بطحانی

رئیس فرهنگ همدان - حسین بطحانی

دبستان از هر لحاظ مرتب و منظم می‌باشد و در صورت دایر شدن شعبه دبستان علمی در  
 قریه دره مرادبیک، این اداره از افتتاح دبستان دولتی در قریه مذکور خودداری خواهد نمود  
 و از کارکنان دبستان برای محل دیگری استفاده خواهد نمود.

رئیس فرهنگ همدان - حسین بطحانی  
 رونوشت، در پاسخ نامه شماره ۱۰۰ - ۳۸/۵/۱۲ به دبستان علمی ارسال می‌گردد.  
 رئیس فرهنگ همدان - حسین بطحانی

دبستان علمی شعبه جامعه تعلیمات اسلامی همدان

بازگشت به نامه شماره ۲۰۶ - ۴۰/۱۱/۳،  
 چون بهای پرداختی ۲۲۰ برگ کارنامه‌های  
 ارسالی در حساب آن شعبه قید شده بود،  
 مطالبه گردیده است، لذا پس از رسیدگی،  
 معلوم گردید وجه مذکور پرداخت گردیده  
 است. اینک تعداد ۲۶۰ برگ کارنامه به  
 وسیله پست ارسال گردید، وصول آن را  
 اعلام فرمایید. موفقیت آن هیئت محترم را،  
 از خداوند متعال خواستارم.

مدیرعامل جامعه تعلیمات اسلامی  
 عباسعلی اسلامی

۱۳۸۴  
 ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۴  
 برگت شماره ۲۰۸  
 رسید سوم فروردین ۱۳۸۴  
 رسید دوم فروردین ۱۳۸۴  
 رسید اول فروردین ۱۳۸۴  
 رسید اول فروردین ۱۳۸۴  
 رسید اول فروردین ۱۳۸۴



شماره ثبت: ۱۵۵

شماره: ۱۸۴۹

شماره تلفن: ۲۹۹۰۵

پیوست:

نشانی تلگرافی: «تعلیمات اسلامی»

آقای مدیر محترم دبستان علمی شعبه جامعه تعلیمات اسلامی در همدان

عطف به نامه شماره ۵۵۷

ت ۴۲/۱۰/۱۴ - که در تاریخ ۴۲/۱۱/۲۵ به مرکز جامعه واصل گردیده - اعلام می دارد:

۱- نتیجه امتحانات کلاسهای اول تا سوم، رضایتبخش است و مسلماً آن عده که نمرات امتحان آنها از ده کم تر است، ترتیبی فرموده‌اید تا ثلث دوم جبران نمایند.

۲- نتیجه امتحانات کلاسهای چهارم و پنجم، خوب نیست و به خصوص کلاس چهارم که عقب افتادگی فوق العاده‌ای دارند. لطفاً رسیدگی فرمایید، این وضع

شماره ۱۸۴۹ پیوست

شماره ثبت: ۱۵۵ شماره تلفن: ۲۹۹۰۵ نشانی تلگرافی: «تعلیمات اسلامی»

آقای مدیر محترم دبستان علمی شعبه جامعه تعلیمات اسلامی در همدان

حالی بنامه شماره ۵۵۷ - ۴۲/۱۰/۱۴ که در تاریخ ۴۲/۱۱/۲۵ به مرکز جامعه واصل

گردیده اعلام می‌دارد:

۱- نتیجه امتحانات کلاسهای اول تا سوم رضایتبخش است و مسلماً آن عده که

نمرات آنها از ده کم تر است، ترتیبی فرموده‌اید تا ثلث دوم جبران

نمایند.

۲- نتیجه امتحانات کلاسهای چهارم و پنجم خوب نیست و به خصوص کلاس

چهارم که عقب افتادگی فوق العاده‌ای دارند. لطفاً رسیدگی فرمایید این وضع

از کجا ناشی شده و ترتیبی که برای جبران این عقب ماندگی فرموده‌اید از

فرمایید.

۳- همان‌طور که مستحضرید، نتیجه امتحانات ششم و آمار قبولی و

مردودی آنها اثر فوق العاده‌ای در شناسایی و معرفی مدرسه در اداره فرهنگ

و سایر مدارس دارد. و لذا لطفاً تصمیمات اتخاذ و پیگیری‌ها

گذرانید که در خردادماه ۱۳۴۳ تمامی دانش آموزان این کلاس قبول شوند

۴- خواهشمند است اقداماتی که نسبت به موارد بالا به عمل می‌آورند و همچنین

بیشرفتهای مذهبی دانش آموزان و برنامه‌های فوق العاده‌ای که در این

خصوصاً دارید، اطلاع فرمایید. موفقیت آقایان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

از طرف مدیرعامل جامعه تعلیمات اسلامی - اسلامی

بنظور ترویج معارف دینی و بی‌شکست امور تعلیم و تربیت در همدان - ایامه همدانی - فرمایید

نویسنده: ...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

پانوشتها:

- ۱- اسلامی، عباسعلی، طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق، کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۷۴، ص ۸
- ۲- همان، ص ۱۷.
- ۳- اسلامی، عباسعلی، دو از یاد رفته «بحثنی در امر به معروف و نهی از منکر»، جلد دوم، روزبه، تهران ۱۳۵۵، ص ۹.
- ۴- همان، ص ۱۱.
- ۵- همان، ص ۱۹.
- ۶- طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق، ص ۲۰.
- ۷- «درگذشت خطیب پرتلاش و حرکت آفرین»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، س ۲۵، ش ۳، رمضان ۱۴۰۵، ص ۶۵.
- ۸- طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق، ص ۱۹.
- ۹- همان، ص ۲۰.
- ۱۰- دو از یاد رفته، «بحثنی در امر به معروف و نهی از منکر»، جلد دوم، ص ۱۰.
- ۱۱- طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق، ص ۴۹.
- ۱۲- همان، ص ۱۱۳.
- ۱۳- همان، ص ۱۱۵.
- ۱۴- همان، ص ۱۲۰.
- ۱۵- همان، ص ۱۱۲.
- ۱۶- همان، ص ۱۲۴.
- ۱۷- همان، صص ۱۴۱ - ۱۳۷.
- ۱۸- همان، ص ۱۵۷.
- ۱۹- دو از یاد رفته، ص ۱۶.
- ۲۰- طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق، ص ۱۵۸.
- ۲۱- همان، ص ۱۶۵.
- ۲۲- دو از یاد رفته، ص ۱۷.
- ۲۳- طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق، ص ۱۷۹.
- ۲۴- همان، ص ۲۶۲.
- ۲۵- دو از یاد رفته، ص ۱۹.
- ۲۶- طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق، ص ۲۷۹.
- ۲۷- همان، ص ۲۸۹.
- ۲۸- همان، ص ۲۹۲.
- ۲۹- همان، ص ۳۱۳.
- ۳۰- همان، ص ۳۶۴.
- ۳۱- دو از یاد رفته، ص ۲۲.
- ۳۲- طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق، ص ۳۲۰.
- ۳۳- همان، ص ۳۲۱.
- ۳۴- همان، ص ۳۳۱.
- ۳۵- همان، ص ۴۰۹.
- ۳۶- همان، ص ۴۳۵.
- ۳۷- همان، ص ۴۰۵.
- ۳۸- اساننامه و مراسمنامه جامعه تعلیمات اسلامی، دفتر مرکزی جامعه تعلیمات اسلامی، تهران، آرشبو، ص ۱۸.



مجله علمی-تاریخی

- ۳۹- طلایه‌دار فرهنگ در عصر اختناق، ص ۴۵۸.
- ۴۰- درگذشت خطیب پرتلاش و حرکت آفرین، ص ۶۶.
- ۴۱- گزارشهای محرمانه شهربانی، جلد دوم، به کوشش مجید تفرشی و محمود طاهراحمدی، سازمان اسناد ملی ایران، تهران ۱۳۷۱، ص ۱۷۱.
- ۴۲- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده شیخ عباسعلی اسلامی، کدهای ۱۹۱/۱ الی ۱۹۱/۵.
- ۴۳- مکی، حسین، کتاب سیاه، «خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران»، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۴۴- طلایه‌دار فرهنگ در عصر اختناق، ص ۶۷.
- ۴۵- «حرکات و قیامته‌های عده‌ای معلوم الحال به حیثیات همدان لطمه بزرگی زد»، روزنامه مبارز همدان، س اول، ش ۱۰، (هفتم بهمن ۱۳۳۰)، ص ۴.
- ۴۶- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده شیخ عباسعلی اسلامی، کد ۱۹۱/۲، سند شماره ۲۲.
- ۴۷- همان، کد ۱۹۱/۲، سند شماره ۵۱.
- ۴۸- اساسنامه و مرامنامه جامعه تعلیمات اسلامی، ص ۲۲.
- ۴۹- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده شیخ عباسعلی اسلامی، کد ۱۹۱/۴، سند شماره ۱۷.
- ۵۰- مصاحبه با سیدصادق حجازی، مدیر مجتمع آموزش علمی - اسلامی همدان از تأسیس تاکنون (۱۳۸۴ش).
- ۵۱- طلایه‌دار فرهنگ در عصر اختناق، ص ۴۷۴.
- ۵۲- بایگانی و آرشیو اسناد مجتمع آموزش علمی - اسلامی همدان.
- ۵۳- همان، دفتر خاطرات.
- ۵۴- همان، سند شماره ۹.
- ۵۵- دفتر مرکزی جامعه تعلیمات اسلامی تهران، آرشیو، پوشه ۱۶، پرونده شماره ۲، شعبه همدان.
- ۵۶- مصاحبه با سیدصادق حجازی.
- ۵۷- دفتر مرکزی جامعه تعلیمات اسلامی تهران، آرشیو، پوشه ۱۶، شعبه همدان.
- ۵۸- اصل: داوطلبین.
- ۵۹- مصاحبه با سیدصادق حجازی.
- ۶۰- «جامعه تعلیمات اسلامی شعبه همدان»، روزنامه فریاد همدان، س سوم، ش ۳۷، شهریور ۱۳۳۳، ص ۳.
- ۶۱- مصاحبه با سیدصادق حجازی.
- ۶۲- دفتر مرکزی جامعه تعلیمات اسلامی تهران، آرشیو، پوشه شماره ۱۶، شعبه همدان.
- ۶۳- بایگانی و آرشیو مجتمع آموزشی علمی - اسلامی همدان، دفتر یادداشت.
- ۶۴- همان.
- ۶۵- روزنامه ندای میهن، س هشتم، ش ۲۹۴، اسفند ۱۳۳۶، ص ۳.
- ۶۶- دفتر مرکزی جامعه تعلیمات اسلامی (تهران)، آرشیو، پوشه همدان، ش ۱۶، اسناد مربوط به سیدصادق حجازی.